

اهل بیت علیهم السلام نزد شیعه چه جایگاهی دارند؟

کلیه علی باقر شیخانی*

مقدمه

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آیات و روایات، جایگاه ویژه‌ای دارند. آنان همان کسانی هستند که خداوند در آیه تطهیر به پاکی و طهارت آنان شهادت می‌دهد و در آیات سوره دهر آنان را اینارگران در راه خدا معرفی می‌کند. اهل بیت علیهم السلام در آیه مباحله، نفس و جان پیامبر و شریک دعوت او هستند و به دستور خداوند، نام مبارکشان در صلوات ذکر می‌شود. حب اهل بیت علیهم السلام در آیه مودت بر همه مسلمانان واجب شده و لازم است که مسلمانان، خمس مالشان را به آنان بدهند. اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گرانبهایی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به یادگار گذاشت تا امت را از گمراهی بازدارد. آنان کشتی نجات و ستارگان هدایت‌اند و صفات ممتازی دارند که هیچ بیان و نوشته‌ای توانایی شرح کامل آنها را ندارد.

فضائل اهل بیت علیهم السلام در آثار اندیشمندان اهل سنت

ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام بر اندیشمندان اهل سنت پوشیده نیست و به همین جهت از گذشته‌های دور افزون بر اندیشمندان شیعه که خود را دنباله‌رو آنان می‌دانستند،

*. عضو هیئت علمی و مدیر گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

عالمان مذاهب اهل سنت نیز که حب اهل بیت علیهم‌السلام را واجب و بغض ایشان را از نمونه‌های نصب و نواصب می‌دانند، به نگارش کتاب و جمع‌آوری روایات مربوط به فضایل آنان پرداختند و آثار نفیسی به یادگار گذاشته‌اند.^۱

اهل بیت علیهم‌السلام در اندیشه شیعه

اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزد شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارند. شیعه امامیه بر این باور است که امامت، استمرار نبوت در حفاظت از شریعت و هدایت مردم به صلاح و سعادت دنیا و آخرت و ولایت عامه بر رفتار سیاسی مردم، بر پا کردن عدل و از بین بردن ظلم و ستم و نیز پیراستن سرشت انسان‌ها، در هدایت معنوی و عرفانی انسان‌ها به سوی کمال است. از این رو، امام باید در مسئولیت خویش مانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گناه، خطا و نسیان پیراسته باشد. دلایل این باور در کتب کلامی شیعه آمده است.^۲

از طرفی شیعه بر این باور است که امامت با چنین ویژگی‌هایی تنها بر اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زبیده است؛ زیرا آنان از هرگونه خطا، گناه و نسیان پیراسته و به حق پیوسته‌اند. بنابراین شیعه مرجعیت دینی و علمی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شایسته اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند.

۱. اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، شمس الدین جزری شافعی؛ الاتحاف بحب الاشراف، شبرای شافعی مصری؛ احیاء المیت بفضائل اهل البیت، جلال الدین سیوطی شافعی؛ اخبار اهل البیت، علی بن محمد مدائنی؛ اخبار المهدی، بدرالدین نابلسی حنفی؛ استجلاب ارتقاء الغرف بحب اقرباء الرسول، حافظ سخاوی شافعی؛ اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و اهل بیته الطاهرین، ابن صَبَّان شافعی؛ تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی حنفی؛ شواهد التنزیل، حافظ حاکم حسکانی حنفی؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی؛ فرائد السمطین، صدر الدین ابراهیم حموئی جوینی شافعی؛ الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی؛ فضائل اهل البیت، ابوحاتم رازی؛ مناقب اهل البیت، ابن حجر هیتمی شافعی مؤلف الصواعق المهرقة.

۲. رک: کاشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، ص ۳۶۴؛ بحوث فی الالهیات، جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۶۱۱؛ بدایة المعارف الالهیه، ج ۲، ص ۴۵.

حدیث ثقلین و مرجعیت دینی اهل بیت (ع)

وظیفه هر مسلمان پیروی از اوامر رسول خدا ﷺ در پیروی توأمان از کتاب و عترت؛ است این دستور پیامبر ﷺ در منابع معتبر شیعه و سنی آمده است که به روایات متواتر ثقلین و خلیفتین^۱ مشهور است. و بیش از سی نفر از صحابه این حدیث را نقل کرده‌اند^۲ و در یکی از معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت، یعنی «صحیح مسلم» نیز آمده است. مسلم در کتاب صحیح به نقل از رسول خدا ﷺ آورده است که:

اما بعد الا أيها الناس فإنما انا بشر يوشك ان يأتي رسول ربي فأجيب وأنا تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به ... و اهل بيتي أذكركم الله في اهل بيتي أذكركم الله في اهل بيتي^۳.

ای مردم همانا من بشرم [و] نزدیک است که فرستاده پروردگام [عزرائیل] به سویم آید و من اجابت نمایم، [ولی من شما را رها نکرده] در بین شما دو چیز گران بها به جای می‌گذارم، اولین آن، کتاب خداست که در آن نور و هدایت است. پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک کنید و دیگری اهل بیت من است. خدا را درباره اهل بیتم یاد آورتان می‌شوم [که درباره آنان خدا را در نظر بگیرید]. این روایت در سنن ترمذی از «زیدبن ارقم» روایت شده است که می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود:

إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي، أحدهما أعظم من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي اهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض، فانظروا كيف تحلفون فيها^۴.

۱. درباره طرق مختلف حدیث ثقلین ر.ک: حدیث الثقلین، انتشارات دلیل ما؛ الوصیه، بدالدین بن طیب کسوته.

۲. حدیث الثقلین، سید علی میلانی، ص ۱۷.

۳. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل علی بن ابی طالب، ص ۱۲۰۰، ح ۶۱۱۹.

۴. سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، کتاب المناقب عن رسول الله ﷺ، باب مناقب اهل البيت، ص ۱۰۷۸، ح ۳۸۱۳.

من در بین شما چیزی می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد، که یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است. نخستین چیز کتاب خدا است که ریسمانی آویزان از آسمان به سوی زمین است و دیگری عترتم است که همان اهل‌بیت است و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌گردند تا آنکه در کنار حوض [کوثر] نزد من آیند. پس نیک بنگرید که چگونه درباره آن دو انجام وظیفه می‌کنید.

سند این حدیث معتبر است و «احمد بن حنبل»، پیشوای حنابله و وهابیان، چندین بار این حدیث را در کتاب مسند آورده و هیچ اشاره‌ای به ضعف آن نکرده‌اند.^۱ «هیثمی» در «مجمع الزوائد» می‌گوید: «احمد این روایت را نقل کرده و سندش حسن است».^۲

«جلال‌الدین سیوطی شافعی» نیز در تفسیرش از «معجم طبرانی» از «ابوسعید خدری» روایتی از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

ای مردم همانا بین شما دو چیز به جای می‌گذارم که اگر بعد از من به آن دو تمسک کنید، گمراه نمی‌گردید؛ یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است، یکی کتاب خداست که ریسمان کشیده شده ما بین آسمان و زمین است و دیگری عترتم است که همان اهل‌بیت می‌باشند و آن دو از هم جدا نگردند تا اینکه سر حوض [کوثر] بر من وارد گردند.^۳

او همچنین از «زید بن ارقم» روایت می‌کند:

رسول خدا ﷺ فرمود: من پیش از شما می‌روم و شما بر سر حوض [کوثر] بر من وارد می‌شوید، اما نیک بنگرید که چگونه با دو ثقلم برخورد می‌کنید.

۱. مسند، احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷، ۲۶ و ۵۹؛ ج ۴، ص ۳۶۷.

۲. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۱۶۳.

۳. الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۲، ص ۶۰.

پرسیدند: مراد از دو ثقل چیست؟ فرمود: ثقل بزرگ کتاب خداوند عزیز و جلیل است که یک طرف آن در دستان خداست و طرف دیگر آن در دستان شماست، پس به آن تمسک نمایید تا نلغزید و گمراه نشوید و اما ثقل کوچک عترت من است و آن دو ثقل از هم جدا نمی گردند تا آنکه بر سر حوض بر من وارد گردند؛ زیرا من این را برای آنان از خدا خواسته‌ام. پس شما از کتاب و عترتم پیشی نگیرید؛ زیرا هلاک می گردید و به آنان چیزی نیاموزید؛ زیرا آنان از شما داناترند.^۱

«ابن کثیر دمشقی»، شاگرد «ابن تیمیه» و «ذهبی»، درباره حدیث ثقلین می گوید: «در روایات صحیح به ثبت رسیده که رسول خدا ﷺ در خطبه غدیر خم فرمود: همانا من دو چیز گران بها بین شما به جای می گذارم، کتاب خدا و عترتم. و آن دو از هم جدا نگردند تا در حوض بر من وارد شوند».^۲

دلالت حدیث ثقلین

این روایات به چند مطلب اساسی اشاره می کند:

۱. عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ از گمراهی؛ زیرا به تصریح پیامبر ﷺ اگر کسی به کتاب و عترت تمسک کند، هرگز گمراه نمی شود و این مطلب فرع بر مصونیت کتاب و عترت از گمراهی است؛ بنابراین همان گونه که قرآن نوری است که تاریکی به آن راهی ندارد و حقی است که باطل به آن راه نمی یابد و هدایتی است بدون گمراهی، اهل بیت نیز چنین هستند.

پیامبر اسلام ﷺ، عترت را هم پایه قرآن کریم قرار داد و تصریح کرد که این دو تا

۱. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۶۰.

۲. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن کثیر، ج ۷، ص ۱۸۵.

قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند؛ بنابراین قرآن و عترت با هم دو مرجع احکام دین هستند که انسان را به سوی بهشت الهی هدایت می‌کنند.

۲. رهبری عترت تا برپایی قیامت، زیرا فرمود: «أَنَّهَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ». این جمله دلیلی است که بعد از پیامبر ﷺ، زمین از امامی که هم‌تراز کتاب و از عترت پیامبر باشد، خالی نخواهد بود؛ زیرا اگر قرآن تا آخرالزمان باقی باشد، و فردی از تبار عترت در جهان نباشد، قرآن از عترت جدا می‌شود و کلام رسول خدا ﷺ انکار می‌شود. به همین جهت شیعه باور دارد که امام مهدی ﷺ هم‌اکنون زنده است و ماندگار بودن جهان، به حیات ایشان وابسته است.

۳. برتری عترت از همه مردم بعد از پیامبر اسلام ﷺ؛ بنابراین امت اسلامی باید به آنها و قرآن تمسک کنند؛ زیرا اگر کسی برتر یا هم‌پایه با عترت بود، پیامبر ﷺ به آنها اشاره می‌کرد.

۴. احتیاج مردم به عترت و بی‌نیازی آنها از همه چیز؛ از این رو لازم است که مردم پیرو آنان باشند؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمودند: «فَلَا تُقَدِّمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا وَلَا تُعَلِّمُوهُمَا فَاتَّهَمُوا أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛ «پس شما از کتاب و عترتم پیشی نگیرید؛ زیرا هلاک می‌شوید و به آنان چیزی نیاموزید؛ زیرا آنان از شما داناترند»^۱.

۵. علم اهل بیت ﷺ به همه جوانب قرآن؛ زیرا اگر برخی از امور آن را ندانند، در همان امور، از قرآن جدا خواهند بود؛ در این صورت کسانی که به قرآن و عترت تمسک کنند، از خطا مصون نمی‌مانند.

۶. انحصار هدایت در تمسک به قرآن و عترت: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا»؛ از این رو کسانی نجات می‌یابند که به هر دو تمسک جویند.

۱. الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰.